

کنایه سنگین به انتقاد سعید قاسمی از دولت رئیسی#۴۷؛ عزیزم! گوجه و خیار هم به «برجام» ربط دارد! ...

هر چند فعال سیاسی اصول‌گرا به طعنه از افزایش قیمت گوجه و خیار به رغم ادعای انتخاباتی ابراهیم ریسی درباره مرتبط نبودن قیمت‌ها با برجام سخن می‌گوید ولی همچنان خود او هم در خطاست چون ربط دارند...

به گزارش سایت خبری پرسون، در ۴۸ ساعت اخیر بخشی از سخنان سعید قاسمی در برنامه ثریا در شبکه‌های اجتماعی "وایرال" و در عصر ایران هم منتشر شده که خطاب به سید ابراهیم ریسی می‌گوید: "قبل از انتخابات فرمودی که قیمت‌ها به خارج و برجام ربطی نداره، خیار و گوجه که به تحریم ربطی نداره، اینها داخلیه، دیدی عزیزم! نه قیمت خیار و نه قیمت گوجه را نتونستی کنترل کنی!"

شاید کسی که اطلاعات کمتری دارد و مانند برخی با دشواری‌های تولید گوجه و خیار در مزرعه کشاورزی و فرایند عرضه آن به بازار سروکاری ندارد، این نقد سعید قاسمی را نقدی وارد به دولت سیزدهم تلقی کند و آن را منطقی بداند در حالی که این‌گونه نیست و به دلایلی که در سطور بعدی می‌گوییم حتی قیمت سیب‌زمینی و گوجه و خیار هم به برجام ربط دارد و هر طیف سیاسی که با برجام مخالفت می‌کند لازم است آن اندازه صداقت داشته باشد و به افکار عمومی بگوید ترک برجام ممکن است به گرانی تولیدات داخلی هم برسد.

روزی که ریسی جلوی دوربین هیجانی شد و گفت ما اقتصاد را به برجام گره نمی‌زنیم، در جایی نوشتیم کسی که چنین ادعایی می‌کند نگاه علمی به اقتصاد ندارد و بدتر از آن مناسبات حاکم بر نظام بین‌الملل در جهان امروز را نمی‌شناسد و امروز ریسی مواجه است با این نقد که قیمت گوجه و خیار چه ربطی به برجام دارد، اما چه پاسخی می‌تواند به منتقدان بدهد؟

حقیقت این است که در مزارع کشاورزی داخلی و تقریباً برای همه محصولات، مجموعه‌ای از سموم تقویتی و آفت‌کش‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که همه یا بخشی از این مواد، وارداتی هستند و بدیهی است افزایش قیمت دلار موجب گرانی این مواد می‌شود و ریشه گرانی بسیاری از نهاده‌های کشاورزی و دامی، در این موضوع است و بدیهی است وقتی برجام از دستور کار دولت خارج و دایره تحریم‌ها وسیع تر می‌شود، اقتصاد واکنش نشان می‌دهد، ارزش پول ملی کاهش می‌یابد و این موضوع بر همه شئون اقتصاد از دستمزد کارگر تا کرایه خودرویی که محصول را به بازار می‌رساند اثر می‌گذارد و همه این اتفاقات در نهایت قیمت تمام شده محصول را افزایش می‌دهد به عبارت روشن، هزینه تولید را بالا می‌برد.

افزون بر همه موارد گفته شده، کاهش ارزش پول ملی و استمرار گرانی‌ها موجب می‌شود قدرت خرید مردم هم کم شود و در نهایت تولیدکننده در فصل برداشت مواجه می‌شود با تولیدی که چندبرابر گران‌تر از سال زراعی قبل برایش هزینه داشت و واسطه نیز از ترس کاهش پایین بازار و قدرت خرید پایین مردم، جرات نمی‌کند تولیدات کشاورزی داخلی را با نرخ مورد نظر کشاورز تولیدکننده، خریداری کند و در نهایت قیمت محصول در مزرعه پایین‌تر از توقع تولیدکننده باشد و مانند مرکبات در باغ‌های مازندران یا سیب در باغ‌های آذربایجان، به قیمتی حدود یک سوم هزینه تمام شده از کشاورز خریداری شد و کشاورز را به ورشکستگی نزدیک می‌کند اما همین محصول مواجه شد با کرایه باربری بالا و زمانی که به بازار مصرف می‌رسد به چند برابر قیمت مزرعه بالغ می‌شود و در نهایت هم تولیدکننده متضرر می‌شود و هم مصرف‌کننده قیمت محصول را فراتر از توان خود می‌بیند.

فاجعه‌آمیزترین شرایطی که ممکن است برای یک کشور پیش بیاید این است که هم تولیدکننده و هم مصرف‌کننده یک محصول زیان کنند و ناراضی باشند و امروز طیف گسترده‌ای از محصولات کشاورزی که در ظاهر ربطی به برجام ندارند، در استان‌های مختلف کشور به چنین شرایطی مبتلا هستند اما دلیل چیست و چرا ما باور داریم موضوع به برجام مربوط است.

اقتصاد یک کلیت یکپارچه است و همه بخش‌های اقتصاد مانند یک ارگانیسم زنده با هم در ارتباط هستند و همچنین در دنیای مدرن امروزی، اقتصاد ملی نمی‌تواند نسبت به مناسبات سیاسی و دیپلماتیک با دیگر کشورها بی‌تفاوت باشد و بر این اساس، قیمت گوجه و خیار که تولید داخلی هستند نیز اتفاقاً به برجام ربط دارد و از تنش‌ها اثر می‌پذیرد.

تاکیدی که برخی دلسوزان دارند و ریشه مشکلات اقتصاد کشور را در سیاست خارجی جست‌وجو می‌کنند هم براین اساس است و حق دارند بگویند حتی سیاست نگاه به شرق هم نمی‌تواند مشکلی از پیش پای معیشت مردم بردارد و جلوی تضعیف اقتصاد ملی را بگیرد مگر این‌که ما با امضای یک توافق جایگاه خود را در میان نظام اقتصادی جهان تثبیت کنیم.

اتفاقاً نقد اصلی امروز به امثال سعید قاسمی وارد است که این معادلات پیچیده را درک نکردند و سال‌ها تلاش داشتند هرنوع تعامل با جهان را "انفعال" و "غربگرایی" تعبیر و اصلاح طلبان و میانه‌روها را به خیانت متهم کنند و به اقسام مختلف، بر مسیر اجرای برجام سنگ انداختند تا این تفاهم که در سال ۲۰۱۵ امضا شد از حیز انتفاع بیفتد و حتی هر نوع فرصت ازسرگیری مذاکرات در دولت سیزدهم را نیز سوزاندند و امروز کار به جایی رسید که سر رشته کارها از دست ریسی و تیم اقتصادی دولت خارج شد و اگر محمد مخبر دزفولی درخصوص وضعیت ناپایدار نرخ ارز صاف در چشم نمایندگان نگاه کرد و گفت: "همینه که هست" بهترین گواه است بر اینکه تاثیر بودن یا نبودن برجام بر اقتصاد و حتی قیمت گوجه و خیار بسیار بیش از تصور جناب قاسمی است و امروز امثال قاسمی باید به سوال موافقان برجام پاسخ دهند نه این‌که دولت ریسی را به زیر سوال بکشند.

نکته آخر این که در چنین وضعیتی که اقتصاد جمهوری اسلامی ایران در حال حذف شدن از معاملات و معادلات جهانی است، روند تضعیف اقتصاد ملی و آسیب به معیشت مردم بیشتر خواهد شد و نه تنها کاری از دست ریسی و دولتش بر نمی آید بلکه حتی اگر جناب "آدام اسمیت" هم از گور برخیزد و سرپرستی تیم اقتصادی دولت سیزدهم را عهده دار شود، با این رابطه سه طلاقه که ما با اقتصاد جهانی داریم، کار چندان از پیش نمی برد و بی ثباتی در قیمت ها ادامه خواهد داشت مگر این که دولت مردان بتوانند با جامعه جهانی به یک توافق روشن برسند.

عصر ایران